یادداشت | محمدرضا سوری

گردو چینی به قیمت جان

سقوط ۱۴۴ نفر هنگام گردو چینی در شهرستان‌های تویسرکان، ملایر، نهاوند و شهرستان بهار استان همدان و مرگ سه نفر از آن‌ها، سقوط ۴۵ نفر هنگام گردو چینی از ابتدای شهریورماه در خراسان شمالی که منجر به جراحت شدید آنها شد، تنها نمونه کوچکی از حوادث سقوط افرادی است که تنها در دو استان کشور هنگام برداشت این محصول دچار حادثه شدند. با وجود اینکه آمار دقیقی از حوادث ناشی از برداشت گردو در مورد سایر استان‌هایی که در آنها این محصول کاشت می‌شود، وجود ندارد، اما می‌توان حدس زد که تعداد قابل توجهی از افراد بر اثر این حوادث مصدوم، معلول یا کشته می‌شوند. هر ساله از ابتدای شهریورماه که برداشت گردو در برخی از استان‌های کشور آغاز می‌شود، شاهد آمار قابل توجهی از کارگران هستیم که دچار حادثه می‌شوند. این سقوط‌ها اغلب به خاطر استفاده از روش‌های سنتی و رعایت نکردن اصول ایمنی اولیه رخ می‌دهد.

سقوطی که یا جان کارگر را می‌گیرد یا او را دچار ضایعه نخاعی می‌کند و علاوه بر تأثیر روانی بر خود و خانواده‌اش، هزینه‌های درمانی هنگفتی هم در پی دارد. این اتفاقات ناگوار در حالی است که بارها در این خصوص هشدارهای لازم داده شده می‌شود. بررسی‌ها در این‌باره نشان می‌دهد باغداران عمدتاً از کارگران متخصص در این زمینه استفاده نمی‌کنند و به دلیل مبتدی بودن کارگر موجب شده تا در بسیاری از موارد شاهد شکستن دست و پا و آسیب‌های نخاعی تا مرگ در برخی موارد باشیم. همچنین توصیه می‌شود افرادی که سابقه مصرف داروهای فشار خون، مغز و اعصاب یا دیابت دارند از رفتن به بالای درخت خودداری کنند. برای کاهش این حوادث استفاده از کابل‌های نگهدارنده، کلاه ایمنی، کفش مناسب، کمربند مهاری و تجهیزات و نردبان‌های مناسب از جمله راهکارهایی است که می‌تواند در زمینه کاهش تلفات مؤثر باشد. علاوه بر این، یکی از روش‌های پیشگیری سقوط از درخت استفاده از شیوه‌های نوین از جمله سرشاخه‌کاری گردو است، چراکه در این شیوه از پرورش، ارتفاع درخت کم و محصول آن چند برابر می‌شود؛ همچنین از بروز حوادث هنگام گردو تکانی جلوگیری می‌شود.

از آنجا که استفاده از روش‌های سنتی برای گردو تکانی خطرآفرین است، به جای آن می‌توان از دستگاه‌های جدید و به‌روز برای تکاندن درخت گردو استفاده کرد که در این شیوه شوکی به درخت گردو وارد شده و در کمتر از ۳۰ ثانیه محصول آن به پایین درخت می‌ریزد.

قاتل چوپان و قاتل تاجر سرشناس به دام افتادند

۲ جنایت قدیمی سرانجام فاش شد



■ غلامرضا مسکنی

دو جنایت قدیمی که یکی ۱۹ سال و دیگری هشت سال در هاله‌ای از ابهام مانده‌بود، با اشتباه متهمان ورق خورد؛ قاتل چوپان با یک استوری اینستاگرامی لو رفت و مرد تاجری که به اتهام قتل شریک تجاری‌اش تحت تعقیب بود، هنگام بازگشت مخفیانه به ایران به دام افتاد.

نخستین پرونده به اوایل فروردین سال ۱۳۸۶ بازمی‌گردد، زمانی که کشاورزی در بخش فشافویه استان تهران با پلیس تماس گرفت و از کشف جسد مرد جوانی در زمین‌های کشاورزی آن منطقه خبر داد. دقایقی بعد تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی همراه بازپرس ویژه قتل در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد مقتول چوپانی جوان است که ساعتی قبل گوسفندانش را برای چرا به محل برده بود. صاحبان زمین‌های اطراف پس از شنیدن صدای شلیک خود را به محل رسانده و با جسد خون‌آلود چوپان روبه‌رو شده‌بودند. تحقیقات اولیه مأموران را به صاحب زمین‌های کشاورزی به نام ایرج رساند. او پس از حادثه محل را ترک کرده‌بود، اما مأموران خیلی زود او را شناسایی و بازداشت کردند.

ایرج در بازجویی‌ها به درگیری با چوپان اعتراف کرد، اما قتل را به کارگرش نسبت داد. او گفت چوپان برای چراندن گوسفندان وارد زمینش شده و پس از درگیری، با اسلحه کلاشنیکفی که برای محافظت از خود در برابر سارقان در اختیار داشته، به سمت او شلیک کرده‌است، اما گلوله به چوپان اصابت نکرده‌است. او در ادامه مدعی شد در همان لحظه کارگرش به نام رسول سر رسیده و با اسلحه شکاری به سمت چوپان شلیک کرده و او را به قتل رسانده‌است.

با ادامه تحقیقات، کارشناسان اسلحه‌شناسی اعلام کردند گلوله‌ای که به مقتول اصابت کرده، از اسلحه شکاری شلیک شده‌است. این نتیجه ادعای ایرج درباره شلیک نکردن گلوله مرگبار را تأیید می‌کرد، اما از سوی دیگر تحقیقات برای یافتن رسول بی‌نتیجه ماند. ایرج نیز به دلیل نگهداری سلاح جنگی محاکمه و به ۱۰ سال حبس محکوم شد، اما متهم اصلی قتل همچنان متواری بود.

■ **استوری که قاتل را لو داد**

۱۹ سال از این جنایت گذشت تا اینکه قاتل ناخواسته سرنخی از محل زندگی خود در فضای مجازی به جا گذاشت. او با تصور اینکه پس از گذشت نزدیک به دو دهه، پرونده به فراموشی سپرده شده‌است، در اینستاگرام استوری منتشر کرد.

کارآگاهان با مشاهده این استوری موفق شدند محل زندگی او را در یکی از روستاهای شمال شرق کشور شناسایی کنند. بررسی‌ها نشان داد رسول پس از فرار از تهران به آن روستا رفته، ازدواج کرده و همراه همسر و فرزندانش زندگی جدیدی را آغاز کرده‌است. مأموران پس از شناسایی مخفیگاه او راهی روستا شدند و متهم را بازداشت کردند.

رسول پس از انتقال به پلیس آگاهی به قتل اعتراف کرد، اما مدعی شد قصد کشتن چوپان را نداشته‌است. او گفت روز حادثه وقتی دید چوپان با صاحب زمین درگیر شده، عصبانی شده و برای ترساندن او اسلحه شکاری را به سمتش گرفته و شلیک کرده‌است.

با این حال، تحقیقات درباره جزئیات این جنایت و انگیزه واقعی متهم ادامه دارد.

■ **اسرار ناپدید شدن تاجر فرش پس از ۸ سال**

پرونده دوم به پاییز سال ۱۳۹۷ بازمی‌گردد، زمانی که خانواده مردی به نام رحمان با مراجعه به پلیس تهران اعلام کردند او به شکل مرموزی ناپدید شده‌است. رحمان تاجر سرشناس فرش بود و خانواده‌اش از سرنوشت او اطلاعی نداشتند. در جریان تحقیقات مشخص شد رحمان پیش از ناپدید شدن با یکی از شرکای کاری‌اش به نام فرهاد قرار ملاقات داشته‌است. مأموران برای یافتن سرنخ، سراغ فرهاد رفتند، اما او مدعی شد از سرنوشت شریکش بی‌خبر است و رحمان حتی در محل قرار حاضر نشده‌است.

با این حال بازبینی دوربین‌های مداربسته روایت دیگری را آشکار کرد. تصاویر نشان می‌داد روز حادثه دو مرد جوان به رحمان نزدیک شده و پس از سوار کردن او به خودرو، با سرعت محل را ترک کرده‌اند.

کارآگاهان با شناسایی خودرو، دو مرد جوان را دستگیر کردند. آنها در بازجویی‌ها اعتراف کردند رحمان را به دستور فرهاد ربوده‌اند و او را به یکی از شهرهای مرزی غرب کشور برده و تحویل فرهاد داده‌اند. یکی از متهمان مدعی شد فرهاد به دلیل اختلاف مالی با رحمان نقشه ربودن او را طراحی کرده‌بود و قصد داشته پس از تحویل گرفتن شریکش، او را به قتل برساند.

پس از این اعتراف‌ها، فرهاد تحت تعقیب قرار گرفت، اما مشخص شد از مرزهای غربی کشور خارج شده و به اربیل عراق گریخته است. نام او نیز در فهرست اعلان قرمز اینترپل قرار گرفت، اما با وجود گذشت سال‌ها، ردی از او به دست نیامد.

■ **بازگشت مخفیانه به ایران**

پرونده همچنان باز بود تا اینکه چند روز قبل کارآگاهان پلیس آگاهی مطلع شدند فرهاد پس از گذشت هشت سال، مخفیانه به ایران بازگشته است. بررسی‌ها نشان داد او برای فروش برخی املاک و اموالش به کشور برگشته و در یکی از شهرهای اطراف تهران حضور دارد.

کارآگاهان پس از شناسایی محل حضور او، وی را بازداشت کردند.

فرهاد صبح دیروز در بازجویی‌ها مدعی شد رحمان در جریان سفر به اربیل عراق بر اثر غرق‌شدگی جان باخته‌است. او گفت: «من و شریکم برای خرید و فروش فرش به اربیل رفته بودیم. یک روز برای تفریح کنار رودخانه رفتیم و او تصمیم گرفت شنا کند. وقتی وارد آب شد، غرق شد و جانش را از دست داد. من هم از ترس فرار کردم و موضوع را پنهان کردم.»

این ادعا در حالی مطرح شده که بررسی‌های پلیسی نشان می‌دهد رحمان روز حادثه مبلغ قابل توجهی دلار همراه داشته که پس از ناپدید شدن او اثری از آن به دست نیامده است. از سوی دیگر، تحقیقات نشان داده فرهاد پیش از ناپدید شدن شریکش با مشکلات مالی و ورشکستگی روبه‌رو بوده، اما پس از ناپدید شدن رحمان وضعیت مالی او به شکل محسوسی بهتر شده‌است. همین موضوع باعث شده فرضیه دست داشتن فرهاد در قتل و تصاحب اموال شریکش با جدیت بیشتری بررسی شود. تحقیقات از متهم برای روشن شدن زوایای پنهان این حادثه ادامه دارد.

یک قاتل قصاص شد، ۴ متهم فرصت گرفتند



■ آرمین بینا

سحرگاه دیروز، چهارشنبه پانزدهم مهرماه، پنج محکوم به قصاص که در پرونده‌های جداگانه مرتکب قتل شده بودند، برای اجرای حکم در زندان قزلحصار کرج پای چوبه دار رفتند. در این میان، چهار محکوم مهلت گرفتند و به سلول‌های خود بازگشتند، اما حکم قصاص یکی از محکومان اجرا شد.

محکومی که صبح دیروز حکم قصاصش اجرا شد، پنجم دی‌ماه سال ۱۴۰۲ در محله ائمه اطهار در جنوب تهران مرتکب قتل شده بود.

آن روز مأموران کلانتری افسریه در جریان قتل مرد جوانی قرار گرفتند و راهی محل حادثه شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد مرد جوان بر اثر درگیری به قتل رسیده‌است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات برای شناسایی عامل جنایت آغاز شد و متهم که مردی جوان بود، خیلی زود بازداشت شد. او در جریان بازجویی‌ها مدعی شد مقتول برای دختر مورد علاقه‌اش مزاحمت ایجاد کرده و به همین دلیل با او درگیر شده و دست به قتل زده است.

■ **شلیک مرگبار به همسر صیغه‌ای**

دومین محکوم به قصاص که سحرگاه دیروز موفق شد از اولیای دم مهلت بگیرد، مرد جوانی بود که دوم اسفند سال ۱۴۰۱ همسر صیغه‌ای خود را با شلیک گلوله به قتل رسانده بود. پس از وقوع جنایت، متهم از محل فرار کرد، اما مأموران در جریان تحقیقات موفق شدند مخفیگاه او را در یک هتل شناسایی و وی را دستگیر کنند.

متهم پس از بازداشت مدعی شد به رفتار همسر صیغه‌ای خود مشکوک شده بود و همین موضوع باعث اختلاف میان آنها شده بود. او در نهایت با شلیک گلوله به زندگی زن جوان پایان داده بود.

سومین محکوم به قصاص نیز که توانست پای چوبه دار مهلت بگیرد، مردی است که اواسط سال ۱۳۹۸ مرتکب قتل شده بود. متهم در بازجویی‌ها درباره انگیزه جنایت گفت مقتول به همراه چند نفر دیگر در ساختمانی روبه‌روی محل زندگی او مشغول کار بودند و سر و صدای آنها باعث ناراحتی و اعتراضش شده بود. او مدعی شد پس از اعتراض به سر و صدای کارگران، مقتول و چند نفر دیگر با او درگیر شده و کتکش زده‌اند. روز بعد نیز وقتی بار دیگر مقتول را دید، میان آنها درگیری شکل گرفت و این بار متهم با چاقو به او حمله کرد و باعث مرگش شد.

■ **قتل حین بردن زباله**

چهارمین محکوم به قصاص نیز مردی بود که سال ۱۴۰۳ در جریان درگیری، مرد جوانی را به قتل رسانده‌بود. او پس از دستگیری مدعی شد: همراه دختر مورد علاقه‌ام کنار خیابان صحبت می‌کردم که مقتول همراه دوستش از خانه‌شان بیرون آمدند تا زباله‌هایشان را به سطل زباله ببرند. او و دوستش با من درگیر شدند که عصبانی شدم و با چاقو به او حمله کردم.

پنجمین محکوم نیز مردی بود که هفدهم مهر سال ۱۴۰۱ در کرج جوان ۱۹ ساله‌ای را با ضربات چاقو به قتل رسانده بود. متهم پس از دستگیری مدعی شد مقتول از او کلاهبرداری کرده و همین موضوع باعث اختلاف میان آنها شده بود. این اختلاف در ادامه به درگیری فیزیکی انجامید و متهم با چاقو به جوان ۱۹ ساله حمله کرد.

یادداشت

وقتی صراف قانون را به بازی می‌گیرد



حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

این روزها فیلمی از خبرنگار حوزه قضایی و انتظامی خبرگزاری مهر، در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود؛ روایتی از خرید سه سکه پارسیان که اگرچه داستان یک شهروند است، اما می‌تواند شرح حال هزاران نفری باشد که برای حفظ ارزش اندک پس‌انداز خود به بازار طلا پناه برده‌اند. بر اساس این روایت، خبرنگار از یک صرافی در میدان فردوسی تهران سه سکه پارسیان خریداری کرده، اما هنگام مراجعه برای فروش، مشخص شده سکه‌ها تقلبی بوده‌اند. وقتی او به فروشنده اولیه مراجعه کرده، به جای پاسخگویی با انکار معامله و رفتاری توهین‌آمیز مواجه شده‌است. اگر این روایت در مراجع قانونی اثبات شود، باید پرسید: شهروند برای خرید طلا به کجا باید اعتماد کند؟

سال‌هاست به مردم توصیه می‌شود طلا را از واحدهای مجاز بخرند، فاکتور دریافت کنند و از خریدهای غیررسمی پرهیز کنند، اما اگر شهروند به واحد صنفی رسمی مراجعه کند و باز هم در معرض چنین اتفاقی قرار بگیرد، این توصیه چه معنایی دارد؟ اینجاست که مسئولیت اتحادیه‌ها بسیار جدی می‌شود. اتحادیه فقط نهادی برای صدور مجوز و نصب تابلوی «واحد صنفی مجاز» نیست. اتحادیه باید پیش از وقوع تخلف، سازوکار نظارتی مؤثر داشته باشد. چرا مشتری باید برای دریافت فاکتور با فروشنده چانه بزند؟ چرا فروشنده می‌تواند از ارائه فاکتور امتناع کند و بعد، در صورت بروز اختلاف، خریدار را مجبور به اثبات معامله کند؟ اتحادیه باید شماره تماس و سامانه رسیدگی به شکایت را به‌صورت واضح در تمام واحدهای صنفی در معرض دید مشتری قرار دهد، به گونه‌ای که شهروند همان لحظه‌ای که با تخلف مواجه می‌شود بتواند موضوع را گزارش کند، اما ماجرا به اتحادیه ختم نمی‌شود. مسئله بزرگ‌تر، بازدارندگی قانون است. اگر فردی بتواند با سوءاستفاده از اعتماد مردم کالای تقلبی بفروشد و در نهایت با بازگرداندن مال یا تحمل یک هزینه محدود دوباره به همان محل کسب بازگردد، آیا مجازات واقعاً بازدارنده بوده‌است؟

قوه قضائیه باید به این پرسش پاسخ دهد. قانون زمانی اعتبار اجتماعی دارد که متخلف بداند تخلف برایش صرف اقتصادی ندارد. اگر سود تخلف چندین برابر هزینه‌ای باشد که متخلف پس از شناسایی می‌پردازد، طبیعی است که عده‌ای قانون را مانعی جدی نبینند. امروز بسیاری از مردم با حقوق و درآمد محدود، ماه‌ها و سال‌ها بخشی از درآمدشان را پس‌انداز می‌کنند تا با خرید طلا ارزش پولشان را حفظ کنند. برای چنین فردی، پول یک قطعه طلا فقط چند عدد روی رسید بانکی نیست، بخشی از عمر و دسترنج اوست. وقتی چنین فردی از یک مرجع رسمی خرید می‌کند و بعد با کالای تقلبی مواجه می‌شود، تنها سرمایه مالی او آسیب ندیده، اعتماد او به بازار و نهادهای نظارتی نیز آسیب دیده است. یک سؤال جدی نیز باید از متولیان نظارت پرسید: اگر رئیس اتحادیه یا بازرس اتحادیه بدون معرفی خود، مانند یک مشتری عادی وارد همان واحد صنفی شود، آیا تضمینی وجود دارد که با همان شرایطی مواجه نشود که شهروندان عادی با آن مواجه می‌شوند؟

نظارت واقعی یعنی پاسخ به همین سؤال. مردم نباید پس از خرید، برای اثبات اینکه از چه کسی کالا خریده‌اند، دنبال فروشنده بدوند. معامله در واحد صنفی رسمی باید شفاف، قابل ثبت و قابل پیگیری باشد. اگر قرار است مردم به بازار رسمی اعتماد کنند، بازار رسمی باید شایستگی این اعتماد را ثابت کند. موضوع فقط سه سکه یک خبرنگار نیست. موضوع سرمایه میلیون‌ها شهروندی است که در شرایط سخت اقتصادی به بازار طلا پناه آورده‌اند. اگر اتحادیه‌ها پیشگیرانه نظارت نکنند و قوه قضائیه مجازاتی متناسب و بازدارنده اعمال نکند، متخلف هزینه تخلف را همچون هزینه عادی کسب‌وکار محاسبه خواهد کرد. و آن روز، دیگر فقط طلا نیست که تقلبی می‌شود، اعتماد مردم به قانون هم تقلبی خواهد شد.

مدیرعامل شرکت تولدش را با آزادی یک زندانی جشن گرفت

مدیرعامل شرکت که در روز تولدش به جای برگزاری میهمانی، زمینه آزادی یک زندانی را فراهم کرد، تصمیم گرفته است تا عید سه زندانی دیگر را به مناسبت تولد فرزندانش و همسر سابقش آزاد کند. فرزندانی که نزد مادرشان زندگی می‌کنند و همسر سابقی که مدت‌هاست از او دور است.

مردی که سابقه محکومیت مالی در پرونده مهریه دارد، بعد از آنکه توانست بخشی از مشکلات مالی‌اش را پشت سر بگذارد، تصمیم گرفت روز تولدش را متفاوت برگزار کند. او به جای هزینه کردن برای میهمانی و دورهمی دوستانه، ۱۰۰ میلیون تومان برای آزادی یک زندانی اختصاص داد. این مرد می‌گوید تجربه روزهای سخت مالی باعث شده‌است شرایط افرادی را که به دلیل بدهی و محکومیت مالی راهی زندان شده‌اند، بهتر درک کند. به همین دلیل تصمیم گرفته است بخشی از توان مالی خود را برای کمک به این افراد اختصاص دهد. او از روزهایی می‌گوید که فشار مشکلات زندگی، او را به مصرف قرص‌های آرام‌بخش کشانده بود، اما حالا انجام کارهای خیر و نماز خواندن را عاملی برای رسیدن به آرامش می‌داند.

این مرد برای ادامه این کار نیز برنامه دارد. او قصد دارد تا عید زمینه آزادی سه زندانی دیگر را فراهم کند. دو زندانی به مناسبت تولد فرزندانش که نزد مادرشان زندگی می‌کنند و یک زندانی نیز به مناسبت تولد همسر سابقش. او می‌گوید با این کار می‌خواهد برای سلامتی آنها قدمی خیر برداشته باشد.

این مدیرعامل حتی تصمیم گرفته است آزادی زندانیان را به بخشی از فعالیت حرفه‌ای خود تبدیل کند. او می‌گوید از این پس بخشی از هر قرارداد شرکت را برای آزادی زندانیان اختصاص می‌دهد. عباس کشانی، مدیر ستاد مردمی دیه استان تهران، با اشاره به چنین اقداماتی گفت: اقدام افرادی که مناسبت‌های شخصی زندگی خود را به آزادی زندانیان گره می‌زنند، می‌تواند زمینه بازگشت یک محکوم مالی به خانواده‌اش را فراهم کند و نشان می‌دهد حتی کمک‌های فردی نیز می‌تواند در آزادی زندانیان اثرگذار باشد.

واژگونی موتورسیکلت سارقان را گرفتار کرد

سرکلانتر هشتم پلیس پیشگیری تهران بزرگ از دستگیری دو سارق سابقه‌دار منزل در محدوده خیابان امیری خبر داد که پس از مشاهده مأموران متواری شدند، اما در جریان تعقیب و گریز با موتورسیکلت واژگون و دستگیر شدند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ محمد مقدسی گفت: همزمان با اعلام گزارش حضور سارقان منزل در محدوده خیابان ۱۶ متری امیری و خیابان سادات، مأموران گشت انتظامی به محل اعزام شدند. وی افزود: مأموران حدود ۱۵ دقیقه بعد دو نفر را که با مشخصات اعلام‌شده مطابقت داشتند، در حال سرکشی به پارکینگ منازل مشاهده کردند. متهمان همچنین هنگام دستکاری قفل یکی از پارکینگ‌ها دیده شدند. سرکلانتر هشتم پلیس پیشگیری تهران بزرگ ادامه داد: متهمان با مشاهده مأموران متواری شدند و در جریان تعقیب و گریز، تنها یک کوچه با محل فاصله داشتند که موتورسیکلت آنها واژگون شد و هر دو نفر توسط مأموران دستگیر شدند. وی افزود: استعلام سوابق متهمان نشان داد هر دو نفر دارای سوابق متعدد هستند. بررسی‌های پلیس در این باره جریان دارد.

مرگ تلخ ۲ نوجوان در تصادف پژو و کامیون

تصادف یک دستگاه پژو ۴۰۵ با کامیون در محور سیریک به جاسک، مرگ دو نوجوان را رقم زد.

به گزارش «جوان»، ساعت ۲۰ شامگاه سه‌شنبه مأموران پلیس راه بعد از دریافت گزارش سانحه رانندگی در محور سیریک به جاسک در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد در جریان تصادف پژو ۴۰۵ با کامیون، دو نوجوان ۱۶ و ۱۷ ساله فوت شده‌اند. همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی، علت حادثه در دست بررسی است.

بازداشت نوجوان ۱۷ ساله به اتهام قتل

پسر نوجوان در شهرستان کوار استان فارس به اتهام قتل مردی ۴۳ ساله بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ سیدمحمد کشاورز، فرمانده انتظامی شهرستان کوار گفت: روز گذشته مأموران پلیس از درگیری خونین در یکی از محله‌های شهر با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد مردی ۴۳ ساله با ضربه چاقو هدف قرار گرفته و جانش را از دست داده است و متهم نیز از محل متواری شده است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات در این باره نشان داد عامل قتل پسری ۱۷ ساله است که روز گذشته شناسایی و بازداشت شد. وی در بازجویی‌ها اعتراف کرد بعد از مشاجره‌ای که با مقتول داشته، حادثه خونین را رقم زده است. بررسی‌ها در این‌باره ادامه دارد.

سارق غرفه‌های نمایشگاه آفتاب دستگیر شد

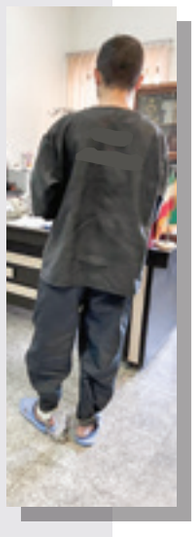

سرکلانتر دهم پلیس پیشگیری تهران بزرگ از دستگیری سارق غرفه‌های نمایشگاه بین‌المللی آفتاب خبر داد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ سید امین موسوی گفت: همزمان با مراجعه تعدادی از غرفه‌داران نمایشگاه بین‌المللی آفتاب و اعلام سرقت از غرفه‌ها، رسیدگی به موضوع در دستور کار مأموران واحد تجسس کلانتری ۱۷۱ شهید مصطفی خمینی قرار گرفت.

وی افزود: مأموران تحقیقات خود را برای شناسایی عامل یا عاملان سرقت آغاز کردند و در جریان بررسی‌های تخصصی، تصاویر دوربین‌های مداربسته محل مورد بازبینی قرار گرفت و هویت متهم شناسایی شد. در شاخه دیگری از بررسی‌ها مخفیگاه متهم در منطقه چهاردانگه شناسایی و متهم بازداشت و در بازرسی از محل، بخشی از اموال مسروقه متعلق به غرفه‌داران و غرفه‌سازان نمایشگاه نیز کشف و ضبط شد. تحقیقات برای کشف جرایم بیشتر متهم جریان دارد.

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۵

به جوان دوباره نگاه کن
Javanonline.ir

آگهی ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت املاک

آقای زین‌العابدین داودی به کد ملی ۶۵۹۹۳۸۱۱۴۶ باستناد درخواست وارده به شماره ۷۷۶۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۴ ادعا نموده اند که یک جلد سند مالکیت بنام ایشان به پلاک ثبتی ۶۹۶ فرعی از ۲۳۸۲ اصلی بخش ۴ مهدیشهر به میزان ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به شماره چاپی سند ۳۳۶۱۹۵ و شماره الکترونیک ۱۴۰۲۲۰۳۲۹۰۱۴۰۰۵۳۶۸ به علت جابجایی مفقود گردیده است و چون در نظر است سند مالکیت المثنی نسبت پلاک فوق صادر گردد، لذا مراتب یک نوبت آگهی می گردد، تا هر کس که مدعی انجام معامله با پلاک‌های صدر الاشاره می باشد، یا مدعی وجود سند مالکیت در نزد خود است ظرف مدت ده روز به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان مهدی‌شهر مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر، سند مالکیت المثنی برابر مقررات صادر خواهد شد.